

Investigating the Reasons for the Hijab Ruling in Jurisprudence and Law and the Role of the Islamic Government in It

Mohammad Akhtarian Asl¹, Mahmoud Qayyumzadeh^{2*}, Younes Khodaparast³

1. PhD Student of Theology and Islamic Studies-Jurisprudence and of Imam Khomeini's Laws and Thoughts, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

2. Professor, Department of Theology and Islamic Education, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Nurabad Mamasani Branch, Islamic Azad University, Nurabad Mamasani, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 651-668

Article history:

Received: 23 Feb 2024

Edition: 4 May 2024

Accepted: 10 Jul 2024

Published online: 2 Sep 2024

Keywords:

Islamic veil, jurisprudence and law, Islamic ruler, Islamic Sharia, hijab.

Corresponding Author:

Mahmoud Qayyumzadeh

Address:

Iran, Saveh, Islamic Azad University, Saveh Branch, Faculty of Humanities, Department of Theology and Islamic Education.

Orchid Code:

0000-0003-1811-8616

Tel:

09122527090

Email:

maarefteacher@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aims: Islamic veil is obligatory for every Muslim man and woman and leaving it is forbidden. according to The Islamic ruler can invite and oblige the Muslim community to observe the Islamic hijab. A society that has preferred a religious government over a non-religious and secular government, has no expectation other than that the elected government behaves based on the divine law and legal custom. The purpose of this article is Investigating the hijab ruling in jurisprudence and law and the role of the Islamic government in it.

Materials and Methods: This article is descriptive-analytical. Also, this research, with a practical purpose and in the form of documentary and library studies, has investigated the ruling of hijab in terms of jurisprudence and law and the position of the Islamic government in this regard.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: Studies show that the issue of Muslim women observing hijab against non-mahram men is agreed upon by all Islamic sects, but there are differences of opinion in its necessary limits. However, most of the Shia and Sunni jurists have considered it obligatory to cover the whole body except for the face and hands.

Conclusion: The results showed, seven reasons; The way of thinking, the application of the proofs of individual and social religious rulings, the proofs of the prohibition of evil, the proofs entered in special cases of punishment, the application of some hadiths entered in the interpretation of punishment, the authority of the jurist on the punishment of offenders, the principle of jurisprudence in general that is contrary to the Shari'ah. It proves that it is permissible to require hijab by the Islamic government.

Cite this article as:

Akhtarian Asl M, Qayyumzadeh M, Khodaparast Y. Investigating the Reasons for the Hijab Ruling in Jurisprudence and Law and the Role of the Islamic Government in It. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



دوره ششم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۳

بررسی ادله حکم حجاب در فقه و حقوق و نقش حکومت اسلامی در آن

محمد اختریان اصل^۱، محمود قیومزاده^۲، یونس خداپرست^۳

۱. دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی، فقه و مبانی حقوق و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.
۲. استاد گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.
۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد نورآباد ممسنی، دانشگاه آزاد اسلامی، نورآباد ممسنی، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پوشش اسلامی بر هر مرد و زن مسلمان واجب و ترک آن حرام است. بر این اساس حاکم اسلامی می‌تواند جامعه مسلمان را به رعایت حجاب اسلامی دعوت و الزام نماید. جامعه‌ای که حکومت دینی را بر حکومت غیر دینی و سکولار ترجیح داده است، انتظاری جز این ندارد که حکومت منتخب بر مبنای شریعت الهی و عرف متشرعه رفتار نماید. هدف مقاله حاضر، بررسی حکم حجاب در فقه و حقوق و نقش حکومت اسلامی در آن می‌باشد.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر، توصیفی-تحلیلی است. این پژوهش با هدف کاربردی و به صورت مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای به بررسی حکم حجاب از نظر فقه و حقوق و جایگاه حکومت اسلامی در این رابطه پرداخته است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: بررسی‌ها نشان می‌دهد، مسئله رعایت حجاب در برابر مردان نامحرم از جانب زن مسلمان، مورد توافق تمام فرقه‌های اسلامی است؛ اما در حدود لازم آن، اختلاف نظرانی وجود دارد. با این حال بیشتر فقه‌های شیعه و سنی، پوشاندن تمام بدن جز صورت و دست‌ها را واجب دانسته‌اند.

نتیجه: نتایج نشان داد، هفت دلیل سیره عقلا، اتصالات ادله احکام فردی و اجتماعی دینی، ادله نهی از منکر، ادله وارد شده در موارد خاص تعزیرات، اطلاق برخی روایات وارد شده در تعلیل بر تعزیر، اختیار ولی فقیه بر مجازات متخلفان، اصل فقهی کل من خالف الشرع وجود دارد که اثبات می‌کند الزام بر حجاب توسط حکومت اسلامی، جایز است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۵۱-۶۶۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲

واژگان کلیدی:

پوشش اسلامی، فقه و حقوق، حاکم اسلامی، شریعت اسلام، حجاب.

نویسنده مسئول:

محمود قیومزاده

آدرس پستی:

ایران، ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، دانشکده علوم انسانی، گروه الهیات و معارف اسلامی.

کد ارکید:

0000-0003-1811-8616

تلفن:

۰۹۱۲۲۵۲۷۰۹۰

پست الکترونیک:

maarefteacher@yahoo.com

۱. مقدمه

گسترش پدیده بدحجابی در جامعه ایرانی، به‌ویژه در دهه اخیر، سازمان‌ها، نهادها و مراکز فرهنگی، اجتماعی، قضایی و انتظامی را وادار به چاره‌اندیشی برای مهار این ناهنجاری اجتماعی و مقابله با رشد و گسترش آن نموده است. با این حال، به نظر می‌رسد به جنبه‌های فقهی-حقوقی این مسئله به‌ویژه در حوزه حدود اختیارات و مسئولیت حکومت اسلامی در زمینه پوشش بانوان (حجاب) کمتر پرداخته شده است. درحالی‌که این موضوع یک مسئله مبنایی و بنیادی بوده و می‌تواند دیگر مباحث را نیز تحت-الشعاع خود قرار دهد. صحیح است که فقها بر این باورند که برای اداره جامعه و برنامه‌ریزی اجتماعی، صرفاً آموزه‌های فقهی-حقوقی اسلام کفایت نمی‌کند و باید از مجموعه آموزه‌های دین مبین اسلام اعم از آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و فقهی بهره جست. با وجود این، باید توجه داشت که در این رابطه آنچه حجت شرعی به‌شمار می‌آید، فقه است. خواه تکلیف و وظیفه شرعی فرد مکلف باشد، خواه تکلیف و وظیفه دولت و حکومت اسلامی. لذا هنگامی که موضوع اختیارات و مسئولیت‌های حکومت اسلامی در زمینه حجاب و عفاف یا به بیان دیگر، تکلف و وظیفه شرعی حکومت اسلامی در این رابطه مطرح می‌گردد، طبیعتاً می‌بایست به سراغ آموزه‌های فقهی-حقوقی اسلام رفت تا به حجت شرعی در این رابطه دست یافت.

در رابطه با الزام پوشش و حجاب بانوان در میان هیچ‌کدام از فرق و مذاهب اسلامی، شک و تردیدی وجود ندارد و تمام فقها و عالمان مسلط و آشنا به نصوص دینی، بر الزام و وجوب پوشیده بودن بدن از

نظرگاه شخص نامحرم متفق‌النظر هستند و از آنجاکه این حکم در قرآن ذکر شده، جاودانه و همیشگی می‌باشد. از طرف دیگر، شایسته است حکومت این رسالت مذهبی را نشر و گسترش و فرهنگ‌سازی نماید و عرصه عملیاتی‌سازی آن را فراهم کند تا اجتماع را در مقابل تهاجمات سمی فکری وارداتی، مصون‌سازی کرده و به‌منظور حفظ و نگهداری از اخلاق خانواده ایرانی و معنویت عمومی جامعه، طراحی و برنامه‌ریزی لازم را انجام دهد. در متون و نصوص فقهی، به‌صورت ویژه در رابطه با الزام به حجاب و پوشش مطلبی بیان نشده است. حتی در رابطه با لزوم پوشش و غض بصر به سبب احکام مرتبط با ستر و نظر در کتاب النکاح تبادل نظری نگردیده است. فقط از حدود هشتاد سال قبل و بخاطر سفر ایرانیان به اروپا و تأثیرگذاری جوامع اروپایی روی مردم و به‌خصوص از آن زمانکه کشف و برداشتن پوشش و حجاب به دستور رضاخان در سال ۱۳۱۴ الزامی گردید، عالمان و فقها در رابطه با حجاب، رسائل و نوشته‌هایی به رشته تحریر درآوردند و در لزوم پوشش و مفاسد کشف حجاب، بیانات فراوانی گفتند و دلایل افرادی را که الزام حجاب را منکر می‌شدند، مردود دانستند. با این وجود، در هیچ‌کدام از این متون، حرفی از لزوم به حجاب وجود ندارد. در طول زندگی پیامبر خاتم و چهارده معصوم و در مدت حکومت حاکمان مسلمان در جوامع اسلامی نیز در هیچ کتاب دینی و روایی بیان نشده که نحوه پوشش و حجاب بانوان در چارچوب و شکل مقررات بیان شده باشد و برای افرادی که موی خویش را نمایان کرده یا سر و صورت خویش را باز نموده‌اند، سزا و جزایی مشخص شده باشد. لازم به

ذکر است که در منقولات و روایات اسلامی ذکر شده که کنیزکان سر و صورت خویش را نمی‌پوشاندند و در زمان خلفا، در صورتیکه کنیز یا خدمت‌کاری سر خود را می‌پوشاند، به او حد شلاق می‌زدند، فقط به این علت خاص که خویش را با بانوان حرم هم‌تراز دانسته و خود را به شکل ایشان درآورده بود. علاوه بر آن، بانوان اهل ذمه و اهل بادیه و پاره‌ای از بخش‌های عراق در دوره ائمه (ع)، پوشش خویش را رعایت نمی‌کردند. در این صورت این کلام به ذهن می‌آید که نگاه کردن به این دسته از بانوان چه حکمی دارد، بخصوص اینکه قرآن در سوره نور آیه ۳۴، قبل از وجوب حجاب، حرمت و توجه به نظربازی را طرح نموده است. چنین به نظر می‌آید که جامعه به مصونیت اخلاقی دست پیدا نمی‌کند تا زمانی که مسئله غض بصر مرتفع گردد که البته فرمانی اخلاقی و تربیتی می‌باشد. بدین دلیل، قبل از پوشاندن بدن و رعایت حجاب، این موضوع را بیان و طرح می‌کند. به نقل از حر عاملی، در صورتی که افرادی به هر علت از حجاب شرعی ممانعت کنند، یا به حجاب اعتقاد دینی نداشته‌اند یا فرهنگ و آئین اجتماعی ایشان بر حجاب نبود یا به‌خاطر فعالیت در کشتزار و صحرا بر حجاب کامل نبودند و اشخاص به اجبار نگاه می‌کردند، در این حالت، نظر کردن را در حالتی که گناه آلود یا در معرض خطا و گناه نباشد، مجاز شمرده‌اند. همین موضوع نشان‌دهنده عدم الزامی بودن حجاب در آن ایام بوده و فقهای اسلامی بدین خاطر، در رابطه با ضرورت و الزام بر حجاب سخن نگفته‌اند. از جمله جنبه‌های رسالت، مسئولیت و مداخله دولت اسلامی در اجرایی نمودن احکام مرتبط با پوشش، تجزیه و تحلیل اصول فقهی مرتبط با این ماموریت می‌باشد. اینکه آیا اصولاً این چنین ماموریت و رسالتی

برعهده حکومت اسلامی می‌باشد یا خیر. در صورتی که پاسخ مثبت باشد، برچه اساس و حد و مرز آن چگونه است؟ این تحقیق سعی دارد از دیدگاه‌هایی به ارزیابی و تحلیل این مسئله بپردازد و با توجه به اصول و مبانی مرتبط، پایه و بنیان و حد و مرز مداخله حکومت اسلامی را نشان دهد. لذا، پژوهش حاضر سعی دارد حکم حجاب و پوشش اسلامی را از منظر فقه و حقوق و نیز جایگاه حکومت اسلامی در رابطه با اجرا و نظارت بر آن را مورد بررسی و تحلیل موشکافانه قرار دهد. بر این اساس، سوال اصلی تحقیق آن است که با توجه به مبنا بودن اسلام و احکام آن در قوانین حکومت اسلامی، جایگاه حجاب در میان فقه‌های اسلام و از منظر حقوقی به چه صورت است و تأثیرگذاری و وظیفه حکومت اسلامی در این زمینه تا به کجاست؟

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. این پژوهش با هدف کاربردی و به‌صورت مطالعات اسنادی و کتاب-خانه‌ای به بررسی حکم حجاب از نظر فقه و حقوق و جایگاه حکومت اسلامی در این رابطه پرداخته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

بررسی‌ها نشان می‌دهد، مسئله رعایت حجاب در برابر مردان نامحرم از جانب زن مسلمان، مورد توافق تمام فرقه‌های اسلامی است اما در حدود لازم آن، اختلاف نظرانی وجود دارد. با این حال بیشتر فقه‌های

محظوریت، الزام نیز منتفی گردد (کلانتری، ۱۳۸۳، ۳۴).

در موضوع الزام حکومت به حجاب مقدماً باید گفت لزوم شکل‌گیری حکومت دینی و مشروعیت تشکیل آن، اصل موضوعی و پذیرفته شده است. زیرا بحث از الزام حکومت به حجاب، پس از فرض مشروعیت حکومت، معنا پیدا می‌کند. هنگامی که، ضرورت تشکیل حکومت دینی پذیرفته شود، بر این موضوع صحه گذاشته شده که اقامه دین و تحقق اهداف آن و جاری شدن احکامش نیازمند تشکیل حکومت است (فیض، ۱۳۸۱، ۵۶)؛ اهدافی از قبیل تحقق عدالت در زمینه‌های گوناگون، زمینه‌سازی برای سعادت انسان‌ها، جلوگیری از فساد و حفظ سلامت اخلاقی جامعه. اگر بنا باشد حکومت دینی برای اقامه دین و تحقق اهداف آن گام بردارد و قوانین و مقررات خود را در این مسیر تنظیم نکند، از اساس فاقد هویت دینی خواهد بود. به بیان دیگر، از آنجاکه حکومت دینی مشروعیت خود را از دین می‌گیرد، اهداف و وظایفی که باید در جهت آن‌ها طی مسیر نماید و در صورت نیاز بر آن‌ها الزام و اصرار داشته باشد نیز، برآمده از اهداف دین و وظایفی است که دین بر عهده حکومت گذاشته است. ابزار قانون و الزامات حکومتی، عقلاً و شرعاً باید در جهت مصالح جامعه قرار گیرد و اهداف دین، بالاترین مصالح برای افراد و جامعه هستند تا آنجاکه خداوند، خلقت را به جهت رسیدن به آن‌ها بنا نهاده است (فتاحی‌زاده، ۱۳۷۸، ۱۲). از نظر عقلایی، اصل حق قانون‌گذاری و الزام‌های حکومتی، امری نیست که نیاز به اثبات داشته باشد؛ زیرا بدون آن، حق حکومت و مشروعیت حکومت بی‌معناست و در ذات معنای حکومت، مطاع

شیعه و سنی، پوشاندن تمام بدن جز صورت و دست‌ها را واجب دانسته‌اند. همچنین، یافته‌های پژوهش نشان داد که از سه منظر کلی فقهی به تبیین اصل مسئولیت و عدم مسئولیت حکومت اسلامی، درباره حکم حجاب می‌توان پرداخت: خاستگاه فقهی و فلسفه حکم حجاب، نسبت حکومت با حوزه خصوصی و شخصی و مسئولیت‌های حکومت اسلامی.

۵. بحث

حکم وجوب حجاب یک حکم فردی است. یعنی رعایت حدود پوشش شرعی بر هر زن مسلمان واجب است و تخطی از آن حرام و مستلزم عقوبت اخروی است (محقق‌حلی، ۱۳۷۷، ۴۳). در مسئله وجوب حجاب، چون در بیشتر اوقات عدم رعایت حجاب تأثیر اجتماعی مستقیمی بر امنیت اخلاقی جامعه دارد و ممکن است موجب فساد اخلاقی در اجتماع و باعث زمینه‌سازی ارتکاب گناهان و اعمال حرام دیگر شود، حکومت اسلامی می‌تواند عمل به آن را الزامی کند و در صورت اصرار بر ارتکاب بی‌حجابی، برای مرتکب، مجازات تعزیری تعیین کند (حکیم، ۱۴۰۴، ق، ۱۴۶). هرچند با توجه به فردی بودن حکم حجاب، الزام آن ممنوع است، اما آثار اجتماعی مترتب بر آن و ضرورت حفظ امنیت اخلاقی جامعه که مسئولیت خطیر و عمده نظام اسلامی است، این اختیار را به حکومت می‌دهد که تا حدی که اخلاق عمومی جامعه خدشه‌دار نشود از قوه قاهره و الزام استفاده کند و بر اساس قواعد باب ضرورت مانند «الضرورات تبیح المحظورات» و «الضرورات تنقذ بقدرها» در صورت برطرف شدن ضرورت و

گناه است از طریق گوشمالی یا زدن یا حبس کردن و یا شبیه این‌ها و اینکه این مرتبه بدون اذن امام یا نائب امام جایز باشد، مشکل است (میرمحمدی، ۱۳۸۹، ۱۹).

ممکن است کسی درباره حجاب، نهی از منکر را از باب عدم احتمال تأثیر، منتفی بداند. درحالی‌که، اولاً شرط تأثیر، به معنای توبه حقیقی و متقی شدن و مانند این‌ها نیست و همین که با اعمال قدرت و الزام، شخص بی حجاب مراعات کند، کافی است هرچند دوباره از او تکرار شود. ثانیاً از آنجاکه اگر الزام به حجاب برداشته شود، برآیند کلی آن در جامعه این-گونه خواهد بود که بی حجابی رشد چشم‌گیری خواهد کرد، همین مسئله سبب می‌شود شرط تأثیرگذاری نهی از منکر محقق باشد. دلیل دیگر در زمینه مشروعیت الزام حکومت به حجاب، تعزیر مرتکبین فعل حرام است. از دیدگاه بسیاری از فقها، امام می‌تواند کسی را که مرتکب محرمات می‌شود، تعزیر کند (عاملی، ۱۳۸۲، ۴۲). محقق حلی در شرایع الاسلام بیان داشته‌اند: هر کسی که حرامی انجام دهد یا واجبی را ترک کند، امام می‌تواند او را به کمتر از حد، تعزیر کند. شهید اول در این مورد بیان داشته‌اند: هرکسی که مرتکب حرامی می‌شود یا واجبی را ترک کند، امام او را به میزانی که صلاح ببیند، تعزیر می‌کند. علامه حلی نیز بیان داشته‌اند: هر کسی حرامی مرتکب شود یا واجبی را ترک کند امام او را به میزانی که صلاح ببیند تعزیر می‌کند (جعفریان، ۱۳۹۵، ۳۴-۳۶).

برخی دیگر از فقها نیز این مسئله را در گناهان کبیره قبول دارند و از آنجاکه اصرار نیز جزو گناهان کبیره است، می‌توان عدم رعایت حجاب را حتی طبق نظر

بودن و صدور دستورات الزامی و قوانین لازم‌الاجرا نهفته است. لذا، از نظر عقلایی اگر در زمان و مکانی، وظیفه حکومت و مصلحت جامعه اقتضا نماید که قانونی الزام‌آور وضع گردد، برای کاری که فی‌نفسه نیز لازم و واجب است، مشروعیت آن روشن‌تر خواهد بود. ادله‌ای در زمینه مشروعیت الزام حکومت به حجاب وجود دارد که از جمله آن‌ها نهی از منکر است. در بین مراتب نهی از منکر، یک مرتبه، اعمال قدرت است که از نظر فقها قدر متیقن مشروعیت این مرتبه، انجام آن به دست امام و نائب امام است؛ لذا طبق نظر فقها اعمال قدرت در نهی از منکر از جانب حاکم شرع، مشروع خواهد بود (مغنیه، ۱۳۹۵، ۵۹).

مرحوم صاحب جواهر در ضمن بیان مراتب نهی از منکر می‌فرماید: مراتب انکار منکر، سه مرحله است، بدون اینکه اختلافی در این مسئله بین فقها یافته باشم، مرحله اول انکار با قلب، مرحله دوم و سوم انکار با زبان و با دست که اختلافی نیست که به اموری که قبلاً شنیدی مشروط است و اختلافی نیست که این دو مرحله نیز واجب است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲۹). امام خمینی (ره) فرموده‌اند: مرتبه سوم توسل به زور و جبر است، پس اگر بداند یا اطمینان داشته باشد که ترک منکر نمی‌کند یا واجب را به جا نمی‌آورد مگر با اعمال زور و جبر، واجب است؛ لکن باید تجاوز از قدر لازم نکند. البته، امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد: اول انکار با قلب، دوم انکار با زبان و گفتن، سوم انکار با دست به وسیله زدن درداوری که از معصیت جلوگیری کند (موسوی خمینی، ۱۳۶۱، ۴۶). آیت الله سیستانی در منهاج الصالحین بیان داشته‌اند: مرحله سوم (از مراحل امر به معروف و نهی از منکر) اعمال قدرت در جلوگیری از ارتکاب

که این ماده بر آن انطباق داده شده، دلایل و براهینی نیز بیان نموده‌اند (هاشمی، ۱۳۸۶، ۲۹).

- قاعده حجاب و پوشش یا واجب نیست یا در صورتیکه واجب باشد، وظیفه و رسالتی شخصی و فردی است و در هر حالی، الزام و اجبار بر آن مجاز نیست.

به عقیده پیروان این ایده و نظریه، همانطور که اجبار بر بی‌حجابی و بدپوششی نادرست است، الزام و اجبار بر حجاب و پوشش نیز درست نبوده و در این رابطه نظراتی نیز دارند (مجتهد شبستری، ۱۳۸۹، ۱۳۹).

- قاعده حجاب و پوشش، واجب و الزامی است و فرهنگ‌سازی و اقدامات تبلیغاتی بمنظور آگاه‌سازی جامعه در رابطه با این رسالت، الزامیست، ولی ذاتاً، عدم رعایت حجاب و پوشش مناسب، سزایی را در پی ندارد و نمی‌شود شخصی را بر ترک واجبی همچون پوشش سزا داد و مقررات و قانونی بر اجبار آن وضع نمود.

به عقیده پیروان این نظریه و ایده، فقط در حالتی پوشش الزام‌آور و اجباری می‌گردد و این امکان را خواهد داشت که تحت عنوان قانونی اجتماعی درآید که بدپوششی و بی‌حجابی به‌طور کلی، عصمت و شرافت عمومی را خدشه‌دار کند و بدپوششی به صورت ناهماهنگی اجتماعی درآید. مضاف بر آن، به طور کارشناسی و از طریق علمی اثبات گردد که عربانی و عدم پوشش سبب پاشیدگی خانوادگی، ایجاد فساد اخلاقی و توسعه نابه‌سامانی اجتماعی

این بزرگان مشمول جواز تعزیر از جانب امام دانست؛ چنانکه مرحوم صاحب جواهر این مطلب را بعید ندانسته است (حلی، ۱۳۸۸، ۱۶)؛ اما اگر مراد این دسته از فقها را صرفاً شامل گناهانی بدانیم که فی‌نفسه کبیره هستند، می‌توان از طریق سایر ادله، مشروعیت الزام به حجاب را اثبات نمود. برخلاف تصور برخی، مبنی بر اینکه این‌گونه برخوردهای حکومتی محدود به مواردی است که مستقیماً امور اجتماعی هستند، مسئله تعزیر حاکم حتی شامل گناهانی می‌شود که فردی محسوب می‌شوند. یکی دیگر از ادله مشروعیت الزام حکومت به حجاب، حفظ سلامت اخلاقی و معنوی جامعه و جلوگیری از فساد است که از اهداف مهم دین است و این مطلب از ادله گوناگون استفاده می‌شود. لازم به ذکر است که نتیجه رعایت نکردن حجاب، فساد است (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ۶۵) و حکمت تشریع حکم حجاب هم جلوگیری از فساد است. به هر حال در اینبار می‌توان سه نظریه مطرح نمود:

- اصل حجاب به عنوان وظیفه شرعی، واجب است.

بمانند هر کدام از احکام و واجبات شرعی شخصی و اجتماعی چون، بی‌حجابی و بدپوششی حرام است، می‌بایست از آن ممانعت به‌عمل آورد و به‌منظور الزام بانوان، قوانین و مقررات اجباری وضع نمود. در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره مرتبط با آن ذکر شده: بانوانی که بدون پوشش شرعی در خیابان‌ها و دید عمومی جامعه نمایان می‌گردند، به‌عنوان تخطی از قانون و شرع محسوب می‌شوند و می‌بایست ایشان را مجازات نمود. در ادامه نیز برای این حکم شرعی

ندانسته، پایه و مبنای اقدام خواهد بود (معزی ملایری، ۱۳۹۷، ۶۵).

• اطلاعات ادله احکام فردی و اجتماعی

دینی

از دیگر دلایل الزام و اجبار حکومت، اطلاعات ادله احکام فردی و اجتماعی دین می باشد که مقاصد آن برای اجتناع دینی و مذهبی معین گردیده است. لذا، مقتضی است که همه قوانین و مقررات شخصی و اجتماعی مذهب در اجتماع عملیاتی گردد. علی ای حال، عملیاتی سازی و اجرای قوانین و حصول به اهداف و مقاصد آن، به جز با وجود قوانین کیفری و جزایی مناسب حاصل نمی گردد. مجموعه قوانین کیفری و جزایی مرتبط با حدود نیز جواب گوی میزان بالا و گوناگون موجود در قصور و تخلفات نخواهد بود. از روایات و احادیث چنین برداشت می شود که حاکم اسلامی از این امکان برخوردار است که به اندازه و صورتی که مصلحت بداند، برای تخلفات، تعیین سزا و جزا نماید. علاوه بر آن، با توجه به آنکه شارع مقدس برای تعدادی از جرائم و خطاها، مجازات هایی مشخص نموده و از آنجا که در جایگاه بیان بوده و سزا و جزای دیگری را مشخص ننموده است، بنابراین، می شود از این نمونه ها، با توسل به اطلاق مقامی، سزا و جزا را به اثبات رساند (مهدوی، ۱۳۸۶، ۴۵).

• ادله نهی از منکر

از دیگر دلایل الزام و اجبار بر حجاب و پوشش مناسب، به علت نهی از منکر می باشد. می توان این گونه بیان نمود که این علت بر الزام ممانعت از انجام هر کدام از زشتی ها و منکرات شخصی و اجتماعی،

می شود. دلایل اجبار بر حجاب و پوشش داعیه داران نظریه نخست، در رابطه با اجبار حجاب تحت عنوان واجب شرعی، بر این اعتقاد هستند که ترک این الزام و واجب سبب فعل حرام می گردد و ظاهر شدن در دید و مکان های عمومی و خیابان ها، تظاهر به فعل حرام می باشد. از این جهت، مضاف بر سزا و عقاب الهی، تخطی گر از حجاب و پوشش شرعی را می شود مجازات قانونی نمود (ایازی، ۱۳۹۵، ۳۵). به منظور اثبات و احراز این نظریه و ایده که، حکومت اسلامی از این حق برخوردار است که جامعه را اجبار به حجاب کند، به هفت علت می شود متوسل شد و اثبات کرد که اجبار بر حجاب و پوشش مناسب مجاز می باشد:

• سیره عقلا

بیان شده است که یکی از دلایل برای مجوز الزام و اجبار، سیره عقلا به منظور ممانعت از اخلاص و بی-نظمی حکومت و استیفای مصالح می باشد. در تشریح این علت می شود بیان نمود، بی حجابی و بدپوششی، نوعی ناهنجاری و بی قاعدگی اجتماعی می باشد که به برانگیختگی جنسی اجتماع شدت می بخشد و منجر به گسست خانوادگی و فساد اخلاقی می گردد. در زمانی که عملی سبب اخلاص و آسفتگی نظام گردد، عقلا و خردمندان از حق اجتماع دفاع و بر استیفا و تمامیت مصالح جامعه پایداری می کنند. هر اجتماعی به منظور بقای نظم و فرهنگ و رسیدن به اهداف عالیه، می بایست برای متخطیان، سزا معین و اعمال نماید. در رابطه با خطا و جرایمی که شرع مقدس برای آن سزا و جزای مشخصی معین نموده، امکان تعیین سزای مجدد نمی باشد؛ اما در سایر موارد، این سیره عقلایی که شارع مقدس نیز آن را مردود

فحش ناموسی به دیگران، افترای به اهل ذمه، زورگیری، میوه دزدی، اسقاط جنین، نبش قبر، سرقت از اموال عمومی و موضوعاتی از این دست می‌باشد. در صورت تحلیل این موارد، می‌توان به وضوح دید که این موارد ویژگی و خصوصیتی نداشته و مشمول تعزیر در هرنوع تخطی از دستورات شرعی می‌باشد و از آنجاکه حجاب یکی از دستورات شرعی می‌باشد، بنابراین از این گروه می‌شود متوجه شد که اجبار حکومت، یا تدوین قانون و مقررات اجباری برای حجاب و پوشش و معین نمودن مجازات به استناد این‌گونه روایات، نه فقط مجاز؛ چه بسا لازم می‌باشد (حداد عادل، ۱۴۰۱، ۱۲۹). چراکه این موارد خصوصیتی نداشته و معیار تعزیر برای موضوع حجاب نیز صادق می‌باشد.

• اطلاق برخی روایات وارد شده در تعلیل

بر تعزیر

علت دیگری که بر الزام و اجبار حکومتی پوشش یا حجاب بیان گردیده، استعمال بعضی از روایات راجع به تعزیر می‌باشد. در این روایات بیان شده هر شخصی که خطایی مرتکب شود، تعزیر می‌گردد و شخصی که همیشه مسکرات می‌نوشد، کیفر خواهد شد (شجاعی، ۱۳۹۴، ۱۹). از این تعبیر دو موضوع قابل برداشت است: الف) هر گناه و خطایی، مشمول سزایی است و لذا برای هر گناهی و ترک واجبی، می‌شود تعزیر نمود. ب) از دلیل مرتبط با این روایت که اشخاص به این علت تعزیر و مجازات می‌گردند که حرام‌های خدا را حلال بر شمرده‌اند و در صورتیکه اشخاص رها کردند، جسارت می‌یابند و فاسد می‌گردند، بهره‌جسته که فلسفه تعزیر، ممانعت از انتشار

رهنمون و دلالت دارد. ممانعت عملی و واقعی از منکرات و زشتی‌ها در تمام درجات آن از جانب حکومت و فقیه جامع‌الشرایط جایز می‌باشد. هرچند تأکید گردیده که مطابق با برهان نهی از منکر، می‌بایست ارشاد و راهنمایی انجام گیرد و در ادامه سلسله مراتب ابتدایی نهی از منکر را مقدم داشت. مجازات و سزادهی در این اصل به اندازه تصحیح و تغییر رفتار و ممانعت از تکرار آن خواهد بود، بخصوص اینکه تخطی از حکم خداوند، نادیده گرفتن حرمت و احترام احکام و سنت‌های الهی در جامعه می‌باشد. لذا، از این امکان برخوردار است که موضوعی اجتماعی محسوب گردد (معرفت، ۱۳۹۶، ۱۲۱-۱۲۰). بر این مبنا، حکومت از این امکان برخوردار است که قانون و مقررات اجبار به حجاب و پوشش مناسب را به علت نهی از منکر مصوب نماید و مطابق آن، خطاکاران نسبت به قانون را که منشأ آن شرع می‌باشد، سزادهی نماید یا مبتنی بر حکم شرعی، دستورالعملی تدوین و متخبطیان از حجاب را مجازات نماید.

• ادله وارد شده در موارد خاص تعزیرات

روایات فراوانی در رابطه با سزادهی تعزیری از جانب امام علی (ع) در رابطه با اقسام جرایم و تخلفات شخصی و اجتماعی بیان گردیده است. علاوه بر آن، بیاناتی از سایر ائمه (ع) در رابطه با تعزیر مرتکبان خطاهای شخصی و اجتماعی نقل گردیده که می‌شود مدعی ظهور و بروز و اصطیاد اصلی مبنی بر جواز الزام حکومت نسبت به تکالیف شرعی و من جمله حجاب و پوشش کرد. روایات مذکور در رابطه با مسائلی همانند: اکل میته و خون و خنریر، رباخوری، غصب و خوردن مال یتیم، خیانت در امانت، گدایی،

اجباری می‌باشد و بایستی در سطح جامعه عملیاتی گردد و حاکم اسلامی از این اختیار برخوردار است تا برای خاطیان از آن، مجازات و سزا معین نماید (موسوی همدانی، ۱۳۹۸، ۴۹).

• اصل فقهی کل من خالف الشرع فعلیه

حد او تعزیر

از دیگر براهینی که بر اجبار حکومتی پوشش و حجاب عنوان می‌گردد، روایاتی است که در رابطه با حدود بیان شده است. مفهوم این روایات چنین است که برای هر موضوعی، حدی وجود دارد و چنانچه شخصی از حد تجاوز کند، بر ایشان حد جاری می‌شود. این روایت به این مضمون با سندهای مختلف در کتاب‌های گوناگون روایی نقل شده است (هوشمندی، ۱۳۸۹، ۲۵). ممکن است بشود بیان نمود در بین براهین ذکر شده، این روایت، اصلی‌ترین برهانی است که قید شده و تعداد زیادی از فقها مطابق همین روایات، مباحثه و جدال کرده و صدور فتوا نموده‌اند. از آنجاکه روایت مذکور، تعلیل است و دارای اطلاق، بنابراین، مشمول معین نمودن مجازات برای هر گناهی می‌گردد. محمد حسن نجفی در این رابطه عنوان کرده است: مغایر و ناسازگار و مشکلی نیست از دیدگاه متون فقهی و فتوا در اینکه چنانچه شخصی عمل حرامی یا ترک واجباتی صورت داد و از گناهان کبیره نیز بود، امام این حق را داراست که ایشان را تعزیر نماید تا مقداری که به حد نرسد و مقدار آن به امام بستگی دارد (انصاری، ۱۴۲۷ق، ۱۳۵). هرچند ایشان تأکید دارند که الزام تعزیر در حالتی است که با ممانعت و توبیخ، تأثیری ایجاد نگردد، وگرنه برهانی بر ضرب و تعزیر وجود ندارد و

گناه می‌باشد. با توجه به اینکه ترک حجاب و بدپوششی از جمله‌ی این گناهان است که اگر در اجتماع رها گردد، انتشار سریع پیدا می‌کند و لذا نمی‌شود رها کرد، بنابراین، می‌توان اشخاص گناهکار را به این دلیل مجازات نمود یا از اول، قانونی تصویب نمود که مجبور به پوشش و حجاب باشند و اگر خطا کردند، کیفر شوند. این علت دیگری می‌باشد که از این روایت بهره جسته یا احتمال دارد از اطلاق تعلیل آن بر الزام حکومتی پوشش استفاده شود.

• اختیار ولی فقیه بر مجازات متخلفان

یکی از دلایل اجبار بر پوشش و حجاب، ادله ولایت فقیه می‌باشد. از جمله وظایف و رسالت‌های هر حکومتی، ایجاد نظم و آرامش و حس امنیت در سطح اجتماع و جامعه می‌باشد و از جمله ارکان ایجاد حس امنیت و برقراری نظم، تألیف و مدون سازی درست قوانین و مقررات جهت اجرایی نمودن احکام مرتبط با انتظام امور جامعه و سزادهی گناهکاران و تخطی-کنندگان است. ولایت فقیه که در امتداد ولایت پیامبر خاتم و ائمه معصومین می‌باشد، این رسالت و وظایف را عهده‌دار می‌باشد. از آنجاکه فقیه، رسالت عملیاتی نمودن احکام اسلامی را دارد و حجاب (پوشش) از جمله این احکام محسوب می‌گردد، وظیفه دارد قوانین و مقرراتی را مدون نماید که جامعه را به حجاب وادار کند و اگر آن قانون عملیاتی نگردد، گناهکاران و تخطی‌کنندگان را مجازات نماید. لذا روشن‌ترین اختیار ولی فقیه، برخورداری از حق مدون‌سازی و عملیاتی نمودن قوانین جهت محقق شدن احکام اسلامی در سطح جامعه می‌باشد. حجاب و اجبار بر آن نیز، بخشی از همین احکام بوده که نه فقط جایز بلکه لازم و

سزای تعزیر فقط در حالاتی به خصوص ذکر شده است. مطابق این تشریح و تفسیر، تعزیر در درجه نخست منوط ارشاد بوده و در درجه بعدی، مشمول موارد غیرضرب از موارد انکار می‌گردد.

۵-۱. خاستگاه فقهی و فلسفه حکم حجاب

از دیدگاه فقهی و منطبق با متون موجود در تجزیه و تحلیل مبدا و تجلیگاه و حکمت اجبار به پوشش و حجاب، به وضوح مشخص است که می‌بایست دو دلیل را که هریک نیز حاوی اثرات فقهی می‌باشد، مدنظر داشت. نصوص و متون حال حاضر موجود نیز تعدادی مطلق و تعدادی شاهد به یکی از دو دلیل می‌باشد.

الف) حرمت و احترام زن

یکی از دو مبدا و تجلیگاه اجبار به پوشش و حجاب، شأن ویژه و احترامی است که بانوان به صورت کلی دارا می‌باشند. این موضوع اگرچه مسئله‌ای تماماً جامع و جهان شمول نمی‌باشد، ولی در سطحی است که پوشش را به عنوان یک ارزش و شایستگی مذهبی و حکم شرعی آشکار ساخته است. دلایل و بینات واضعی ناظر این موضوع می‌باشد، منجمله: حرمت نداشتن زنان غیرمسلمان، عموم تعلیل در جواز نگاه به زنان بادیه نشین و مانند آن، واجب نبودن پوشش سر کنیزان و حرمت نداشتن دیوانگان و بی-عقلان (مطهری، ۱۳۵۸، ۱۸۶).

ب) پرهیز از مفسده

در متون و کتب فقهی و فتاوی‌ای زیادی، هم حرمت و توجه به نگاه و هم وجوب پوشش و حجاب مرتبط با مفسده‌انگیزی آن برشمرده شده است. از این جهت،

یک جنبه‌ی لزوم به ترک نگاه و ستر تمام بدن و مو، ممانعت از ایجاد فساد و عرصه آن است، آن چنان که در برخی از روایات این مصداق ذکر شده که: نگاه و نظر، تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است. تعبیر دیگری نیز ذکر شده که، چه تعداد نمونه موجود بوده که یک نظر و نگاه، پشیمانی و حسرتی طولانی به-جای نهاده است. علاوه بر آن، در رابطه با دلیل تحریم نگاه به فرد نامحرم بیان شده که: نگاه حرام شد: چراکه سبب تحریک مردان و فساد است که به دنبال آن و ورود در امور حرام و ناروا می‌باشد (برقی، ۱۴۱۳ق، ۸۹). مضافاً اینکه، در آیه شصتم از سوره مبارکه نور نیز که برای بانوان مسن که از زمان ازدواج و تاهل ایشان گذشته است و امیدی به آن ندارند، مجاز می‌داند پوشش و حجاب خویش را مختصراً کنار گذارند، همین موضوع نهفته است که این افراد در موقعیتی قرار دارند که فقدان حجاب آنان، مفسده-انگیز نمی‌باشد. بنابراین، مجوز به فقدان زینت و آرایش برای ایشان داده شده. در تعداد زیادی از فتاوهای مقید کننده حضور زنان در تجمعاتی همچون نمازهای جمعه و عید نیز به دنباله‌روی از تعدادی کتب روایی، همین موضوع پیدا است. بطوریکه تعداد زیادی از فقها، بین بانوان زیباروی و خوش اندام و سایر بانوان، یا بین بانوان سالمند و جوان در رابطه با حضور در این اجتماعات تمایز قائل شده‌اند. هرچند مشخص است که مفسده-انگیزی، مسئله‌ای مردمحور یا زنانه‌محور نمی‌باشد، بلکه امری دو جانبه است؛ هم از دید حجاب و پوشش بانوان و هم از منظر انتشار شاخص آن به بروز و ظهور پوشش مردان. البته یک بخش اصلی مفسده‌انگیزی، نیت و قصد بدپوششی یا نیازمندی‌های قهری آن و بخش دیگر، انگیزه و محرک نگاه که نظربازی است،

می‌باشد. در این مرحله است که قسمت اعظمی از مسئله، موضوعی تماماً شخصی و فردی می‌شود که فقط از مسیر خود فرد ناظر یا بی‌حجاب می‌شود به آن دست یافت و مفسده انگیزی و عدم آن را مشخص کرد (اکبری، ۱۳۸۸، ۲۴-۲۵).

متناظر با دو دلیل ذکر شده، نکاتی قابل بیان است: در صورتیکه مسئولیت و رسالت حکومت اسلامی در مقابل پوشش و حجاب از دیدگاه اول یعنی خاستگاه احترام و حفظ شأن زنان نظاره گردد، در این صورت، این تحلیل از این امکان برخوردار نیست که تمام عرصه‌های مداخله و مسئولیت حکومت اسلامی را تحت پوشش قرار دهد؛ زیرا، در درجه اول: تعدادی از اصناف بمانند غیرمسلمانان در این محدوده قرار نخواهند گرفت. در درجه بعدی: در صورتیکه خود فرد، آن را بی‌احترامی و بیرون از شأن محسوب نمی‌کند و چه بسا بلعکس، حتی نگاه نکردن را سبب و دلیلی بر بی‌احترامی به خود بشمار می‌آورد، طبیعتاً، بروز و ظهور بدون پوشش در جامعه و نگاه سایرین را نمی‌شود از این دیدگاه، نهی شده بشمار آورد. در درجه آخر: در صورتیکه بطور عمومی‌تر، بی‌حجابی و بدپوششی، موضوعی مُنکر محسوب نشود، چه کاری می‌بایست انجام داد. شکی وجود ندارد که یکی از رسالت‌های حکومت اسلامی، رد، راندن و رفع مفاسد اجتماعی می‌باشد. عرصه و حوزه‌ی این مفاسد در صورتی که بی‌حجابی و بدپوششی هم باشد، به صورت قهری و جبری می‌بایست چاره‌اندیشی نمود، حتی در رابطه با غیرمسلمانان.

پرواضح است که، بدپوششی و بدحجابی بالاخصار مفاسدی را در پی دارد؛ اما اینکه در تمام حالات و

در همه‌ی ابعاد آن این گونه باشد، جای تأمل و تردید وجود دارد و ظن آن می‌رود که این چنین نباشد. به هر صورت، شاخص، فسادخیز بودن آن می‌باشد. هرچند در مجموع مداخله را سبب فساد افزون‌تر بدانیم، هم‌چنان که تعدادی به آن اعتقاد دارند، طبیعتاً نبایست مداخله صورت پذیرد. مضاف بر آن، فسادخیزی در حالتی محرز می‌شود که نیت نظربازی و مفسده و نتایج قهری و غیرقهری آن محرز گردد. محرز شدن فسادخیزی، از طریق همان نهی و ممانعت شارع از نظاره کردن، حاصل می‌شود و برای (حاکم) همین میزان کفایت می‌کند که از تمام نمونه‌های بی‌حجابی ممانعت نماید تا حکمت حکم که ممانعت از فساد باشد محقق گردد. اما نخست، محرز شدن اینکه بیشتر نمونه‌های بی-حجابی و بدپوششی مفسده دارد نامشخص می‌باشد؛ مورد بعد اینکه، نمونه‌هایی که حاکم اطمینان به فقدان مفسده در آنها دارد از این شمول خارج است (زمخشری، ۱۳۶۹، ۳۸). به هر صورت گمان می‌رود بر پایه اصل نخست، مداخله حکومت با بایدها و نبایدها مواجه است و تمام مواردی را که در فقه، حکم به الزام حجاب وجود دارد، تحت پوشش قرار نمی‌دهد. لذا در صورتی که بنابراین فقط براساس این تحلیل، دامنه مداخله و رسالت حکومت اسلامی ترسیم گردد، به اجبار در برخی از قسمت‌ها، انگیزه و حجتی برای این مسئولیت و رسالتی وجود نخواهد داشت.

۵-۲. نسبت حکومت اسلامی با حوزه خصوصی و شخصی

بر اساس پیام و متن ۸ بندی که کاملاً استناد به احکام و دلایل شرعی دارد، به خصوص ماده ششم

آن، دخول به حریم و حوزه (خصوصی) اشخاص، تعدی، جرم و عصیان بوده و بدون اخذ اجازه مجاز نمی‌باشد (موسوی خمینی، ۱۳۶۱، ۱۳۹). لذا، موضوع حجاب و عدم حجاب زمانی که در حوزه خصوصی اشخاص باشد، از واری، نظارت و دخالت حکومت بیرون است. هرچند در سطح اجتماع و خارج از حوزه خصوصی، موقعیت متمایزی دارد، به گونه‌ای که پیامبر خاتم بعد از انجام حد بر احدی از مسلمانان خطاکار، در بیاناتی فرمودند: شخصی که دچار انجام مودی از این آلودگی‌ها گردد، به ستر الهی بپوشاند؛ چراکه هر فردی در برابر ما بایستد و به صورت عیان گناه کند (یا گناه خویش را عیان نماید) مجازات حد الهی را بر ایشان جاری خواهیم ساخت (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۵۶).

پاره‌ای از مواقع عنوان می‌گردد که حجاب و پوشش بانوان موضوعی شخصی بوده و لذا این گونه، موضوع حجاب را در حوزه خصوصی قرار می‌دهند، علی‌رغم اینکه مشاهده می‌شود، به صورت تقریبی در همه متون و نصوص تفسیر بیان گردیده که علت نزول آیات مرتبط با حجاب، متفاوت شدن بانوان آزاده از کنیزان، به منظور ممانعت از تعدی مردان مدینه به ایشان بوده است. موضوع حجاب استثنائات زیاد دیگری نیز دارد، بطور مثال، سر و موی زنان بادیه‌نشین، دهاتی‌ها و حومه و حتی زنان شهری که نهی کردن آن‌ها تأثیری ندارد، مضاف بر آن، بانوان کفار اهل ذمه (منتظری، ۱۳۷۷، ۲۹۷).

۵-۳ نسبت حجاب با مسئولیت‌های حکومت اسلامی

اینطور برداشت می‌شود که اصلی‌ترین و حداقل گسترده‌ترین اصل و پایه در تحلیل ارتباط حجاب و پوشش با حکومت، موضوع اهداف و مقاصد و رسالت‌های جمعی دولت اسلامی می‌باشد که همگی در چند زمینه قابل تحلیل و ارزیابی و ارتباط هر مسئولیت و رسالت با وجوب حکم حجاب است. باید بررسی نمود که آیا حجاب در بیرون از بخش و حد و حدود حریم خصوصی و شخصی، مطابق با یک موضوع دینی اجتماعی در حوزه مدیریتی و رسالت‌های حکومت اسلامی نیز جای می‌گیرد. در رابطه با حجاب و پوشش، نه فقط نشانه‌هایی مبتنی بر حکومتی بودن آن موجود نمی‌باشد، بلکه نمونه‌هایی در متون تاریخی شیعه موجود نمی‌باشد که بانویی به خاطر عدم رعایت حجاب و پوشش مناسب مجازات و سزا داده شده باشد. هرکجا موضوعی شامل مجازات گردیده، در متون روایی، بخش بخش آن بیان گردیده است، ولی در رابطه با حجاب، نه فقط روایتی در این مورد موجود نیست، بلکه احادیث فراوانی موجود است که وادار نمودن بانوان به رعایت پوشش و حجاب و عدم رعایت توسط ایشان تماماً به گردن شوهران‌شان می‌باشد؛ نه حکومت. حتی سزادهی شخص بی‌حجاب تحت موضوع تعزیر نیز بی‌سابقه است. احکام و مقررات مرتبط با پوشش و حجاب نیز همانند احکام نماز و روزه و نه مانند احکام و مقررات حقوقی، دچار عدم تضمین اجرای اجتماعی می‌باشند (مینوی، ۱۳۸۰، ۱۷).

در بین کتب روایات و متون تاریخی، پاره‌ای از موارد دیده می‌شود که مشخص می‌کند پیامبر خاتم و امام علی (ع) از جایگاه حکومت در رابطه با نحوه حضور و ظهور بانوان یا مردان در جامعه، موضع‌گیری و

ایشان بپرسد. پسر عموی حضرت که شخص جوانی بود و کنار پیامبر نشسته بود، به آن بانو نگاه انداخت. حضرت که این رویداد را مشاهده فرمودند، با دست، چهره پسر عموی خویش را به جهت دیگری برگرداند. گویی که ایشان مجدد از آن طرف، خیره شده به آن بانو را تکرار کرد. حضرت نیز مجدداً صورت ایشان را برگرداند و پسر عموی خود را از این اقدام نهی نمود (صدوق، ۱۳۸۶، ۳۲۹). اینها در مجموع می‌رساند حکومت در برابر اجرای این احکام، اجمالاً مسئولیت دارد.

۶. نتیجه

رعایت پوشش و حجاب شرعی یکی از راههای حفظ عفت و پاکدامنی در جامعه، خانواده و فرد است، طهارت قلبی و سلامت معنوی انسانهای مؤمن در گرو چشم بستن در مقابل نامحرم و رعایت ترازها و معیارهای قرآنی در گفتار، رفتار، پوشش و تعاملات با انسانهای بیگانه و نامحرم می‌باشد. به همین علت، آیات و روایات فراوانی به رعایت پوشش شرعی در برابر نامحرم تأکید و الزام نموده است. بر اساس یافته‌های قرآنی، رعایت پوشش شرعی یکی از واجبات بوده و ترک آن منکر می‌باشد. همچنین، با مفهوم‌شناسی واژه جرم در آیات، مشخص شده که قرآن هر نوع منکر و معصیت و انحراف از حق و میل به باطلی را چه در حوزه اعتقاد و چه در عرصه رفتار و کنش، جرم تلقی نموده است و برای آن عقوبت‌های اخروی و در بسیاری موارد مجازات‌های دنیوی نیز در نظر گرفته است. بر اساس ادله قرآنی و روایی امر به معروف و نهی از منکر و جرم بودن بدپوششی و بی‌حجابی و هم‌چنین با کمک روایات

دخالت کرده‌اند. کلینی نقل کرده است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ای عراقیان! باخبر شده‌ام که بانوان تان در مسیر، با مردان نامحرم معاشرت می‌کنند؛ آیا شرم و حیا نمی‌کنید (فیض کاشانی، ۱۳۷۴، ۵۳۷). آیا شرم و حیا ندارید و دارای غیرت مردانه نیستید که همسرانتان راهی کوچه و خیابان‌ها می‌شوند و با اشخاص بی‌دین و بی‌حیا برخورد می‌کنند (خویی، ۱۳۸۴، ۲۲۶).

نحوه خطاب قرار دادن امام مشخص می‌کند که از موضع حکومت، این‌چنین سرزنش و خطابی را معطوف تسامح و غفلت مردان عراقی نموده است و نه از جایگاه امر به معروف و نهی از منکر فردی و شخصی. مخاطب قرار دادن کلی مردان عراقی و اطلاع‌رسانی به امام، خود گویای این موضوع می‌باشد. زمانی که امام، حاکم است، آن‌هم با این صوت و لحن، عتاب و سرزنشی را متوجه اجتماع می‌کند، مبنا بر آن است که از جایگاه حاکمیت بوده و نه فقط بازگو نمودن حکم شرعی مسئله یا وظیفه شخصی امر به معروف و نهی از منکر. هرچند از جمله وظایف و مسئولیت‌های حاکم اسلامی و حکومت نیز، امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. علاوه بر آن، بیان شده که شخصی با صفات زنانه را به محضر پیامبر آوردند که دست و پای خویش را با حنارنگ کرده بود. پیامبر پرسش فرمودند: به چه دلیل این‌چنین نموده؟ پاسخ دادند: ای پیامبر خدا! خویش را به زنان شبیه ساخته. حضرت نیز، فرمان تبعید آن شخص را به بخشی از مدینه تحت نام نقیع صادر فرمودند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۰۰).

مضاف بر آن، بیان گردیده که در زمان مراسمات حج، بانویی به کنار مرکب پیامبر آمد تا سؤال خویش را از

باب تعزیر که مستند به ادله قرآنی امر به معروف و نهی از منکر است نیز می‌توان سطحی از مجازات را برای عنوان مجرمانه بدحجابی در نظر گرفت.

مداخله و رسالت حکومت اسلامی در اجرایی نمودن و اقامه‌ی حکم مشروع حجاب و پوشش در سطح جامعه را بر مبنای اصول و مبانی چندی، می‌شود تحلیل و ارزیابی کرد. علیرغم اینکه تعدادی از این اصول از این امکان برخوردار نیستند که این مسئولیت و رسالت را در کلیه مصادیق عمومی آن به اثبات برسانند؛ اما حداقل مبتنی بر سه پایه و منشأ، به درستی می‌توان این‌چنین رسالت و مسئولیتی را برای حکومت به اثبات رساند: نخست، ارتباط حکومت با بخش عمومی، دوم، امر به معروف و نهی از منکر و سوم، اهداف و مقاصد و رسالت‌های حکومت اسلامی. از کلیه موارد عنوان‌شده نیز به وضوح مشخص است که الزام حفظ و نگهداری حجاب و پوشش در سطح عمومی جامعه در محدوده رسالت، اختیارات و تعهدات حکومت اسلامی بوده و هیچ‌گونه شکی در آن وجود ندارد. لذا اگر سؤالی هم باشد، به عرصه صلاح‌ورزی در مقام اجرایی نمودن و روش انجام آن بر می‌گردد و این مسئله نیز مختص اجرایی نمودن حکم حجاب نیست. از نمونه موارد مورد وثوق و دارای اتفاق تمامی فرق اسلامی، الزام به مستور شدن تمام اعضای بدن به جز از وجه و کفین که به علت ویژه مستثنی گردیده است، می‌باشد. علاوه بر آن، با ارزیابی آیات و روایات مرتبط با پوشش، مشاهده شد که کلیه این آیات و روایات مضاف بر تصریح بر الزام و وجوب حفظ و نگهداری حجاب بوسیله بانوان، به تشریح نحوه پوشش و حجاب زنان نیز پرداخته و به وجوب پوشش کامل بالاتنه شامل

سر، گردن، سینه‌ها و مخفی نمودن زینت‌هایی که در حالت عادی متجلی و نمایان نمی‌باشد، پرداخته و وجوب پوشش کامل بدن را به گونه‌ای که اندازه آن معین نباشد، معین می‌کند.

گران‌بهارترین این علل و ادله، اصل فقهی کل من خالف الشرع فعلیه حد او تعزیر، ادله نهی از منکر و روایات گوناگون در تعزیرات خاص، سیره عقلا و اطلاعات ادله احکام بر اجرای آن بود. علاوه بر جنبه قهری و تعزیری که حکومت اسلامی در رابطه با بحث حجاب اتخاذ می‌کند، حکومت اسلامی اگر می‌خواهد بینش و معرفت حجاب و پوشش مناسب را در جامعه حکم‌فرما نماید و آن را به فرهنگ عمومی جامعه مبدل سازد، می‌بایست از روش‌های فرهنگی و مسیرهای غیر مستقیم همگام با طرح‌ریزی و همزمان با کارشناسی و رعایت کردن مضامین روان‌شناسانه بهره جوید که در این صورت تعزیر همگام با فرهنگ-سازی سبب رشد بیش از پیش اجرای این حکم دینی در جامعه خواهد شد.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- انصاری، مرتضی، المکاسب، چاپ سوم، قم، انتشارات حجت، ۱۴۲۷ق.
- اکبری، محمدرضا، تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، چاپ دوم، اصفهان، نشر پیام عزت، ۱۳۸۸.
- ایازی، سید محمدعلی، قلمرو اجرای شریعت در حکومت دینی، چاپ ششم، تهران، انتشارات باز، ۱۳۹۵.
- برقی، احمدابن محمد، المحاسن، چاپ اول، قم، انتشارات رجائی، ۱۴۱۳ق.
- جوادی آملی، عبدالله، کتاب الصلاه، چاپ دوم، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۹۲.
- جعفریان، رسول، بدعت کشف حجاب در ایران، چاپ هفتم، تهران، انتشارات آشنا، ۱۳۹۵.
- حکیم، محسن، مستمسک العروه الوثقی، چاپ اول، قم، انتشارات نگاه دانش، ۱۳۸۸.
- حلی، یوسف، تذکره الفقهاء، چاپ اول، قم، انتشارات میزان، ۱۳۸۸.
- حداد عادل، غلامعلی، «فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی»، چاپ بیستم، تهران، انتشارات سروش، ۱۴۰۱.
- خویی، ابوالقاسم، مستند العروه، چاپ سوم، قم، انتشارات دارالعلوم، ۱۳۸۴.
- زمخشری، ابوالقاسم، تفسیر کشاف، قم، انتشارات دارالکتب، ۱۳۶۹.
- شجاعی، سید محمد، در و صدف، چاپ هفتم، تهران، نشر محبی، ۱۳۹۴.
- عاملی، علی، دائرة المعارف روایات و متون اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین(ع)، ۱۳۸۲.
- فتاحی زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و روایات، چاپ اول، قم، نشر بوستان کتاب، ۱۳۷۸.
- فیض کاشانی، مرتضی، کتاب الوافی، اصفهان، نشر علامه، ۱۳۷۴.
- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، چاپ ششم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.
- صدوق، محمدبن علی، علل الشرایع، چاپ اول، نجف، نشر شیعه، ۱۳۸۶.
- کلانتری، علی اکبر، فقه و پوشش بانوان، چاپ دوم، قم، انتشارات بوستان، ۱۳۸۲.
- کلینی، محمد ابن یعقوب، الکافی، چاپ اول، بیروت، انتشارات غفاری، ۱۴۰۷ق.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر، المعتبر فی شرح المختصر، چاپ اول، قم، انتشارات سیدالشهدا، ۱۳۷۷.
- مهدوی، داوود، «پژوهشی در الزام حکومتی حکم حجاب»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۶، ۱۳۸۶.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ سوم، بیروت، انتشارات الوفاء، ۱۴۰۳ق.

- مجتهد شبستری، محمد، نقدی بر قرائت رسمی از دین، چاپ هفتم، تهران، طرح نو، ۱۳۸۹.
- مینوی، مجتبی، پوشیدن روی یا نپوشیدن روسری در دفاع از کشف حجاب، چاپ اول، قم، انتشارات بیتا، ۱۳۸۰.
- مغنیه، محمدجواد، الفقه فی مذاهب الخمسه، چاپ اول، تهران، نشر تک رنگ، ۱۳۹۵.
- معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، چاپ سوم، قم، انتشارات مطبعة مهر، ۱۳۹۶.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۱.
- موسوی همدانی، محمدباقر، پاسخ به پرسش‌های دینی، چاپ نهم، قم، نشر اسلامی، ۱۳۹۸.
- معزی ملایری، اسماعیل، جامعه الأحادیث الشیعه، چاپ هشتم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۷.
- میرمحمدی، مصطفی، عدم ممنوعیت حجاب اسلامی از منظر حقوق اقلیت‌ها، چاپ اول، تهران، انتشارات چلیپا، ۱۳۸۹.
- منتظری، حسینعلی، رساله توضیح المسائل، چاپ اول، قم، انتشارات حوزه، ۱۳۷۷.
- مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، چاپ اول، تهران، نشر صدرا، ۱۳۵۸.
- هاشمی، سیدحسین، «نقد سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در برخورد با بدحجابی»، فصلنامه فقه، شماره ۵۱، ۱۳۸۶.
- هوشمند، مهدی، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، چاپ ششم، قم، انتشارات دارالثقلین، ۱۳۸۹.

